

تأثیر نام‌گذاری اقدامات نوسازی بر موفقیت آنها

میزگرد | احیای واژه‌های نوسازی
تنظیم گزارش: نفیسه سیده

همین امر در سایر اصطلاحات رسمی این حوزه نیز صادق است. اصطلاحات رسمی در ایران شامل "نوسازی"، "بهسازی" و "بازسازی" ناظر به وجه کالبدی بافت‌ها هستند و سایر اصطلاحات مانند توانمندسازی و معاصر سازی به عنوان ادبیات تکمیلی این حوزه به کار می‌روند. این انحراف معنایی در تعاریف و اصطلاحات آغاز بیراهه رفتن فعالیت‌های این حوزه تلقی می‌شود. با توجه به تجربه ناموفق نوسازی در ایران و تداوم این رویه در نام‌گذاری فرسودگی و نوسازی، سؤال می‌گردد با جمعی از متخصصان این حوزه در میان گذارده شد: آیا مدیران و تصمیم‌گیران به این نکته واقف نیستند؟ یا اهمیت آن را در حد تأثیرگذار نمی‌دانند؟ این میزگرد با حضور دکتر مظفر صرافی، مهندس مجید روستا، دکتر محمد سعید ایزدی و دکتر سید امیر منصوری برگزار شد.

علی‌رغم تلاش‌های فراوان مدیریت شهری برای پیشبرد نوسازی در شهرهای مختلف، ارزیابی نتایج به دست آمده نشان از انحراف در روند نوسازی شهری دارد: نوسازی شهری در ایران معطوف به کالبد است و از سایر ابعاد مسئله غافل شده است.

نقص در تعاریف و ادبیات موضوع نخستین عاملی است که منجر به این انحراف شده و تأثیر بسزایی در طرح‌ها، روند و مدیریت نوسازی داشته است. در ادبیات نوسازی ایران مفهوم "فرسودگی" معنای کالبدی را تداعی می‌کند و ناگزیر تأثیر خود را بر روند تعیین بافت‌های فرسوده بر جای گذارده است، حال آنکه فرسودگی امری چندوجهی و ناظر به ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی است. تأثیر نام‌گذاری بر شناخت بافت‌های فرسوده و تبیین مفهوم آن اصلاح آن را ضروری می‌سازد.

دکتر منصور: در ادبیات نوسازی شهری ایران

واژگان زیادی ما به ازای واژگان انگلیسی، فرانسه و آلمانی به کار گرفته شده است، ولی واژگان مصطلح و رسمی از دو سه واژه فراتر نمی‌رود: نوسازی، بهسازی و بازسازی. با اینکه امروز چندوجهی بودن نوسازی و فرسودگی امری پذیرفته شده است، اما این سه واژه تنها به وجه کالبدی اقدامات اشاره دارند. مضاف بر آن، تعریف این واژگان با توجه به ساختار زبان فارسی اشتباه تعریف شده است که موجب کج‌فهمی مضاعف می‌شود. بدین صورت که بازسازی به تجدید بنا به صورت تازه و بدون استفاده از آثار گذشته و نوسازی به تجدید بنا در ادامه روش قبل اطلاق شده است، در حالی که در زبان فارسی، "باز" پیشوند تکرار و "نو" پیشوند تازگی و بدیع بودن است. در نتیجه فهم فارسی زبان از نوسازی و بازسازی کاملاً وارونه خواهد بود.

توجه صرف به وجه کالبدی در خصوص واژه فرسوده نیز صادق است. در حالی که اگر به جای بافت فرسوده از بافت افسرده استفاده می‌شد این نکته بیشتر به ذهن می‌آمد که مشکلات این بافت‌ها فقط متوجه کالبد نیست و می‌تواند ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، توزیع خدمات و زیرساخت‌ها نیز باشد.

از طرف دیگر واژگان دیگری مانند توانمندسازی، باززنده‌سازی و معاصر سازی وجود دارند که تنها در محیط‌ها و محافل آکادمیک و بحث‌ها استفاده می‌شوند و در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نوسازی جایگاهی



ندارند. در حالی که در غرب، تحولاتی که در فهم مسئله به وجود می‌آید، باعث دگرگونی واژگان آن حوزه می‌شود و براساس تغییر محتوا و فهم موضوع، واژه‌ای جدید جایگزین می‌شود. چرا با وجود نشانه‌های فراوانی مبنی بر وجود رویکرد کالبدی در امر نوسازی کشور، تغییری در واژگان رسمی این حوزه داده نمی‌شود؟ آیا مشکل عدم وجود دانش کافی مدیران در این زمینه است، یا اینکه آن را مهم و تأثیرگذار قلمداد نمی‌کنند؟

دکتر ایزدی: تاکنون تلاشی برای تدوین ادبیات نوسازی متناسب با درکی که از موضوع وجود دارد، نشده است. همچنین عدم شناخت کافی از ادبیات کشورهای دیگر وجود ندارد. اگر بخواهیم تفکیکی در مورد واژگان ادبیات نوسازی داشته باشیم سه نکته قابل ملاحظه است که نکته اول به سیاست‌ها و برنامه‌ها بازمی‌گردد. در ادبیات نوسازی غرب، در هر دوره و متناسب رخداد خاصی که در آن شرایط رخ می‌دهد، واژگانی متناسب ابداع می‌شود. یعنی در یک دوره برای رواج یک چارچوب فکری و سیاستی خاص، یک واژه خاص رواج پیدا می‌کند. به عنوان مثال urban renewal به معنای نوسازی‌هایی است که در دهه ۶۰ میلادی رایج بوده است. این ادبیات در دهه ۸۰ کامل‌تر می‌شود در حالی که در کشور ما به کلی نسبت به تغییر و تحولات این واژگان در گذر زمان توجه نشده است.

دومین نکته توجه به قلمروهای موضوعی است. در غرب ادبیات عرصه حفاظت با ادبیات نوسازی کاملاً متفاوت است و با هم تداخل ندارند. یعنی همان‌طور که دستگاه‌های اجرایی متفاوتی وجود دارد، تولید ادبیات نیز تفاوت می‌کند. اما در ایران با اینکه دستگاه‌های اجرایی مانند میراث فرهنگی، شهرداری و وزارت مسکن جدا از یکدیگر هستند ولی در بسیاری موارد ادبیات اصطلاحات مورد استفاده در آنها جدا از هم نیست.

سومین نکته مربوط به تعاریف است و به تفاوتی که هر یک از واژگان در کشورها و مناطق مختلف نسبت به یکدیگر دارند، اشاره دارد. برای مثال در ادبیات نوسازی غرب، معادلی برای بافت مسئله دار و بافت فرسوده وجود ندارد و واژگان متداولی نیستند و نسبت به این محیط‌ها رویکردی اجتماعی وجود دارد. تنها واژه Slum رایج است که

در تعریف آن از محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی یا محلات فرودست و محدوده‌هایی که درگیر فقر شهریست در حوزه‌های مختلف تلقی‌های متفاوتی وجود دارد. همچنین آنچه تحت عنوان urban renewal در آمریکا وجود دارد با معنی آن در انگلستان و ایتالیا متفاوت است. یعنی بنا به ویژگی‌های فرهنگی کشورها و نحوه زندگی مردم آن، ادبیات آنها تغییر می‌کند. واژه نامۀ «دکتر فلامکی» در ارتباط با واژگان نوسازی و بهسازی (نوسازی و بهسازی شهری، انتشارات سمت) را می‌توان جامع‌ترین مرجع در این زمینه دانست. یکی از اقداماتی که باید صورت گیرد پیدا کردن واژگان معادل ادبیات آنهاست که در قلمرو سیاست‌گذاری و موضوع وجود دارد. ما این تفاوت‌ها را نشناخته‌ایم و واژگانی که استفاده می‌کنیم متناسب با آن شناخت نیست. هر واژه‌هایی که در حوزه نوسازی استفاده می‌شود باید ناظر به سیاستی باشد که در آن مورد وجود دارد. در واژگان فارسی هم تناقضاتی وجود دارد مثلاً conservation که به معنای حفاظت است به معنی مرمت به

کار می‌رود در حالی که حفاظت نسبت به مرمت محافظه‌کارانه‌تر است اگرچه ممکن است در زبان اصلی نیاید. وقتی واژه‌ای ترجمه می‌شود بار معنایی محیط را با خود می‌آورد.

دکتر صرافی: پاسخ این سؤال که چرا واژه‌سازی به درستی صورت نمی‌گیرد شاید این است که واژه‌ها باید مترادف با مفاهیمی باشند که وجود دارند. احتمالاً مبانی نظری درستی در حوزه نوسازی وجود ندارد که واژگان درست آن نیز یافت نمی‌شود. اگر نظریه روشنی در هر دوره و دولت وجود داشته باشد به ابداع واژگان متناسب با آن دوره منجر خواهد شد و اگر واژه‌ها تغییر پیدا کند یعنی نظریه پشت آنها ایراد دارد. این تئوری که در پی مهندسی کالبدی، مهندسی اجتماعی هم صورت می‌گیرد، واژگانی را به وجود آورده که رویکردی صرفاً کالبدی نتیجه آن است. اتفاقی که در این الگوها می‌افتد به دو صورت امکان دارد؛ یکی اینکه دولت همه کارها را بکند و دیگر اینکه دولت نقش تنظیم‌کننده داشته باشد. آیا برای توانمندی اقتصادی خانوارها کاری انجام گرفته است؟ چرا در احیای فعالیت‌های اقتصادی در محلات کاری صورت نگرفته است؟ اگر خانوارها از لحاظ اقتصادی اجتماعی توانمندسازی اجتماع فقیر یا خود را برای نوسازی خانه‌هایشان پیدا خواهند کرد. به عبارت دیگر شود واژه متناسب با آن نیز خلق خواهد شد. بنابراین بهتر است شورای عالی شهرسازی مشخص کند ۷۷ هزار بافت فرسوده با چه مانیفستی بازسازی خواهند شد؟ اگر به توسعه اجتماع محلی و رفع فقر توجه شود، نوسازی خود به خود اتفاق می‌افتد. از طرفی در ایران چون تشکیلات مربوط به نوسازی بخشی است هر کس در محدوده خود اقدام به خلق واژگان می‌کند که منجر به تداخلاتی در این زمینه می‌شود.

دکتر ایزدی: علت اینکه هر سازمانی در محدوده خود اقدام به خلق واژگان می‌کند و تداخلاتی وجود دارد، این است که در فارسی واژگان کافی وجود ندارد. به عنوان مثال برای "ثبت" ساختمان، محدوده‌ها و محوطه‌ها فقط همین یک واژه وجود دارد.

مهندس روستا: علت عقب‌ماندگی ایران نسبت به کشورهای دیگر، این است که در کشورهای دیگر دوره تحول اصطلاحات می‌گذرد و هر واژه در دوره خاص خودش استفاده می‌شود، در حالی که در ایران آنقدر به دنبال تولید واژگان جدید بوده‌ایم که تاریخ مصرف این اصطلاحات گذشته است. رویه جاری در ایران به جای مسئله‌محوری به سوی واژه‌محوری رفته است و واژگان نتوانسته‌اند بار برنامه و سیاست به خود گیرند و اساساً تعریف واژگان با مسئله‌ها هم خوانی ندارند. در حال حاضر به اندازه دستگاه‌های تولیدی، تولید واژه وجود ندارد. مثلاً واژه فرسوده در شهرداری، وزارت مسکن و بهزیستی معانی متفاوتی دارد. مثلاً در تعریف سکونت‌گاه غیررسمی یک تعریف به کل شهر تعمیم داده شده است.

یک سند یا وفاق ملی لازم است تا واژگان را تعریف کند و ملاک عمل همه دستگاه‌ها قرار گیرد. در سیاست‌ها به دنبال یکسان‌سازی شهری هستیم که بنابراین از واژگان یکسانی استفاده می‌کنیم که این واژگان خیلی از محدوده‌های جغرافیایی و بسترهای فرهنگی را پوشش نمی‌دهند. مثلاً در ادبیات توانمندسازی واژگانی که ما تعریف می‌کنیم فعل متفاوتی دارند. در ادبیات بانک جهانی نگاه توانمندسازی به فقر شهری بود. وقتی مشاهده شد که محله‌هایی وجود دارند که از لحاظ حضور در تصمیمات کشوری و بودجه شهروندی دچار تبعیضند، واژه توانمندسازی به کار رفت. توانمندسازی نگاهی کاملاً اجتماعی دارد و هر چند دارای بار کالبدی است، اما ظرفیت‌سازی و آموزش را نیز در بر می‌گیرد. هنگامی که از واژه توانمندسازی استفاده می‌شود گروه‌های آسیب‌پذیر، خود به خود تکلیف آن کنش‌گر را نیز نشان می‌دهد. واژه بهسازی به عنوان چتر همه موارد در بانک جهانی مطرح شد که کلیه ابعاد مشارکت و نیز همه اقدامات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را شامل می‌شود.

پیش از تعریف سکونتگاه غیررسمی، از واژگانی مانند کپرنشین، حلبی‌آباد، زاغه‌نشین استفاده می‌شد که به نوعی واپس زدن شهروندان را نشان می‌داد و بخشی از حقوق شهروندی را در بر نمی‌گرفت. کاربرد واژه سکونتگاه غیررسمی توسط سازمان عمران و بهسازی به معنای بافت‌هایی خارج از طرح‌های توسعه شهری این بار منفی را از بین برد و تأثیر مثبتی برجای گذاشت.

دکتر ایزدی: در واقع واژه‌ها عوض نمی‌شوند، بلکه بیانگر سیاست فعلی در تاریخ خود است و بخش خاصی از نوسازی را در بر می‌گیرد. حال که سیاست عوض شده است، باید واژه جدیدی تعریف شود.





دکتر صرافى: نگاه

جدید در دوره جدید واژه جدیدی را رقم زده است. رویکرد بازآفرینی، شهر را مجموعه‌ای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی می‌داند. این رویکرد

جوشش مجموعه از درون و آفرینش آن را مدنظر قرار می‌دهد. یعنی جامعه به مثابه انسانی است که می‌خواهد راه رفتن بیاموزد، اما در ابتدا بهتر است کسی دست او را بگیرد. ۷۷ هزار هکتار بافت فرسوده آيا با الگوی شمال شهری ساخته خواهند شد؟ بازآفرینی پایدار مجموعه‌ای از قوانین است که آگاهانه می‌تواند مسئله شهری را مشخص کند؟ محیط زیست مسایل اقتصادی و فروپاشی اجتماعات محلی. بازآفرینی شهری نشان می‌دهد دولت تنها تأمین‌کننده نیست بلکه تسهیل‌گر است و شهروند متوقع باید به شهروند مسئول و پرسشگر تبدیل شود. اعتقاد به این موضوع، باعث می‌شود در امر نوسازی اول مرکز اجتماع محلات در نظر گرفته شود و سپس سراغ بقیه بافت رفت.

دکتر منصورى: علت عدم تغییر واژگان چیست؟

آیا دلیل آن نبود برنامه مشخصی است که ضرورت تغییر واژگان را ایجاد کند؟ یکی از دلایل اصلی این امر وجود تشکیلات بخشی در حوزه نوسازی است، در نتیجه جرأت تغییر واژگان به دلیل احتمال ورود به حوزه نفوذ دیگران وجود ندارد. آیا همه این‌ها از سردرگمی مدیران حکایت نمی‌کند؟ محافظه‌کاری ناشی از نفوذ به قلمروی دیگران و نبود استراتژی بسیاری از مشکلات را ایجاد کرده است. در این راستا به دستور عمل و شعار مشخصی نیاز است و باید دکترینی در ذهنمان باشد که بتوانند همه دستگاه‌ها را با خود همراه کند.

در سند جدید، حسب

دیدگاه‌های جدید، واژگان جدیدی تعریف شده است. این واژه‌ها تنها ادبیات این حوزه هستند و به نوعی واژه‌درمانی صورت گرفته است. نهضتی ایجاد نشده که نشان دهد لزومی برای تغییر واژگان وجود ندارد. آیا



دکتر مظفر صرافى، دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

لازم نیست این بحث به مشارکت و نظرسنجی عمومی گذاشته شود؟ علت این است که دغدغه نوسازی وجود نداشته در نتیجه دایره استفاده از واژگان به همان سه واژه محدود شده است. دغدغه نوسازی از کوچه و بازار بیرون نمی‌آید بلکه باید توسط متخصصان و مدیران صورت گیرد. اگر همچنان زیر یوغ چند واژه تاریخ گذشته هستیم علت آن است که به اهمیت ادبیات واقف نیستیم.

دکتر ایزدی: در حال حاضر درک اینکه نباید

دیدگاه‌های صرفاً کالبدی به اجرا درآیند وجود دارد ولی در تعریف طرح‌های موضوعی - موضعی شورای عالی شهرسازی آیین نامه تدوین طرح‌ها از همه واژگان ادبیات نوسازی استفاده شده است که مشکل ایجاد می‌کند.

دکتر منصورى: در شورای عالی شهرسازی

واژه‌نامه‌ای باید تدوین شود تا به یک وفاق در این زمینه منجر شود. جامعه حرفه‌ای باید واژگان را مصطلح کند و هنگامی یک واژه مصطلح می‌شود که پشت آن اندیشه‌ای باشد و مخاطب آنها دانشگاهیان و متخصصان هستند.

دکتر ایزدی: سند سوم و آخر تولید شده در سازمان

عمران بهسازی روشن‌تر از اسناد دیگر است برای اصلاح واژگان در این سند "برنامه بازآفرینی پایدار محلات هدف"، از واژه برنامه به جای طرح، از واژه بازآفرینی به عنوان سه‌گانه اجتماعی - اقتصادی - کالبدی و پایدار به عنوان نشان دهنده سبک و نقش زندگی جدید استفاده شده است.

مهندس روستا: اصول، اهداف و سیاست‌های این

طرح از جنس برنامه است و نقش دولت را تسهیل‌گر و هماهنگ‌کننده دیده است. یعنی بر اصل تقاضا محوری تأکید شده و مشارکت مردم را به صورت نهاد در نظر دارد. در هر محدوده‌ای که در سند اشاره شده است، رویکرد یکی است اما سیاست‌ها متفاوت هستند و در آن برای اولین بار کاربری‌های سیال شهری مطرح می‌شود. اصول، اهداف و سیاست‌های برنامه‌ای باعث می‌شود مردم نسبت به دولت متوقع نباشند و در قبال محیط زندگی خود احساس مسئولیت کنند.

دکتر ایزدی: در پایان لازم است در پاسخ به پرسش

مطرح شده که آیا مدیران دانش کافی را در حوزه ادبیات نوسازی ندارند و یا اهمال می‌کنند گفته شود: توانمندسازی در طول دوره مدیریت یک شخص محقق نمی‌شود و نیازمند برنامه‌ریزی طولانی است و از آنجا که مدیران در طول دوره مدیریت خود به دنبال ثبات آثاری از خود هستند، کارهای زیربنایی انجام نمی‌دهند و این یکی از مواردی است که نیازمند توجه و پیگیری است.

the field of renovation, and thus not likely to change since they are being entered in other fields.

. Doesn't it indicate confusion in management? Conservative behavior of influencing others realms and lack of strategy has created many problems.

. In this regard, it is necessary to mandate a specific theme and a doctrine in mind that will create cooperation between all services. . In most cases a word therapy is done there is no need since there has not been any movement to change words.

These concerns are not created by ordinary people and should be resolved by professionals and managers.

Dr. Izadi: Eventually, to the query that managers may not have enough knowledge of renovation terminology, it is essential to reply that rehabilitation cannot be achieved during a course of a person's management and requires an extended planning. Since managers try to state indelible works in their managing period, they will not pursue infrastructural works which requires more considerations.

Revival of Renovation Terminology

The Impact of Renovation Actions Appellation on their Success

Report: Nafiseh Seyede



دکتر سید امیر منصوری، سردبیر مجله منظر

Defects of definition and terminology of the issue is the premier factor which have detoured urban renewal despite excessive efforts in urban management. In Iran, the physical aspects are the only factors which are considered in the official terms. Therefore, an issue was queried by a group of professionals of this field: are the managers and decision makers aware of this issue? Or do they consider the significance of their impact? This roundtable was held by the presence of Dr. Mozaffar Sarafi, Eng. Majid Roosta, Dr. Mohammad Saeed Izadi and Dr. Seyyed Amir Mansouri.

Dr. Mansouri: The common terms of urban renewal in Iran does not proceed further than two or three words; renovation, rehabilitation and regeneration. Although the multifunctional aspect of renovation and deterioration is quite accepted, these three words only refer to physical dimensions of the issue. Other words including rehabilitation, revitalization and regeneration are just discussed in academic session and are almost unfamiliar in renovation planning and strategies. Why aren't there any sign of official word change despite the official's consideration of physical aspects in renovation? Is it due to lack of manager's knowledge or is it considered of no importance?

Dr. Izadi: There has not been any serious effort in defining the terms of renovation and there exists no sufficient knowledge about this terminology in foreign countries. In western renovation terms, new words are created based on the time and events of that period. In other words, many words are invented in conformity with thinking frameworks and distinct policies of that period.

For instance, urban renewal was used in the 60s. The second issue is the subjective realms. The preservation field is quite distinctive from renovation field, and they do not interfere in western terminology. However, these terms are not utilized distinctively in Iranian organizations. The third issue refers to definitions and their differences in various countries and regions.

Dr. Sarafi: The response to the question of improper terminology may be sought in the proximity of terms, their definitions and their synonyms. Presumably, there are no accurate theory in the field of renovation that the suitable terms cannot be found. Supposing that there is and evident theory in every period and every government, proper terms will be created and if the terms are altered, their theories must have had imperfections. The theory that implies a physical engineering behind social engineering has led to creation of words which are merely physical.

Eng. Roosta: Iran's being back from other countries is due to

the consistency of terminology in every course of time unlike other countries. In Iran, we've been looking for a new vocabulary of terms which are expired. The current procedures in this country concern about the terms rather than the issue and words have not been able to take charge of programs and policies. They are fundamentally inconsistent with the problem of defining words. Currently, the producers do not have produce enough words. For instance, the word "deterioration" are defined and used differently in the municipality and the Ministry of Housing and Social Welfare. A document or a national consensus is necessary to define the terminology and criteria for all executive services. We are looking for urban Integration in order to utilize the same words that do not cover many geographic regions and cultural contexts.

Dr. Mansouri: Is the consistency of terminology due to Do not change the words, there is no need to change the program should require words? One of the main reasons there is a departmental executive in



دکتر محمد سعید ایزدی، مدیر عامل شرکت عمران و بهسازی شهری ایران